تفاوت خبر متواتر با خبر موثوق الصدور

شاگرد: در فرمایش شما فرقی بین خبر متواتر و خبر موثوق الصدور نیست؟
استاد: تفاوت بسیار است. کلاً در فضای احتمال خلاف، عقلا دم به دم با آن مواجه هستند؛ در حوزه‌های مختلف. احتمال خلاف در سند، احتمال خلاف در یک دلالت، احتمال خلاف در یک امر موضوعی؛ مثلاً در امور موضوعی می‌گویند احتمال می‌دهی که اگر بیرون بروی تصادف کنی؟ به هر کسی بگویی می‌گوید احتمال می‌دهم. می‌گویی وقتی از خانه بیرون می‌آیی این احتمال به ذهنت می‌آید یا نه؟ می‌گوید نوعاً نمی‌آید. به ذهنم نمی‌آید و بیرون می‌آیم. می‌گویی حال اگر یک روزی به ذهنت آمد –مانند خیلی از کسانی که وسواس دارند و به ذهنشان می‌آید- از خانه بیرون نمی‌روی؟! احتمال خطر بده بیرون می‌روی یا نمی‌روی؟! عقلاء این‌ها را فوری دسته‌بندی می‌کنند، می‌گوید گاهی است که احتمال خطر اصلاً نیست. اگر آن را به دست ریاضی دان هم بدهی می‌گوید احتمال خطر نیست. یعنی صفر ریاضی است.
گاهی احتمال خطر هست اما به ذهن من لگد نمی‌زند؛ احتمال هست اما اصلاً به ذهن من نمی‌آید. ولی می‌گویی احتمال هست. گاهی است که می‌گویی احتمال هست، به ذهن من هم می‌آید اما به قدری ضعیف است که من اعتناء نمی‌کنم. ببینی احتمال آمد اما محل اعتناء نیست. سومی مهمتر است؛ گاهی احتمال هست و به ذهن من هم می‌آید؛ مورد اعتناء هم هست؛ بهگونه‌ای نیست که در شوم؛ اما ریخت آن به‌صورتی است که اگر بخواهم به این احتمال مورد اعتناء، اعتناء بکنم نظم به هم می‌ریزد و دیگر نمی‌توانم زندگی کنم. همه این‌ها با هم تفاوت می‌کند.
این برای احتمال خطر بود؛ به احتمال کذب می‌آیی‌م. یک خبر می‌آید که در سند آن احتمال کذب می‌دهی‌م. گاهی سند طوری است که اصلاً احتمال کذب به‌صورت ریاضی نیست. مثل اخبار مخبر صادق و معصوم. در این‌جا احتمال کذب مخبر صفر است. در مرحله بعد خبری می‌آید که فقیه و افقه زمان خبر می‌دهد و به شما می‌گوید فلانی به این صورت گفت، احتمال دارد که دروغ بگوید؟ احتمال هست اما در ذهن شما می‌آید؟ اصلاً نمی‌آید. اصلاً ذهن شما سراغ آن نمی‌رود. در نفس الامر احتمالش هست اما حتی به ذهن شما نمی‌آید تا بگویی من به آن اعتناء نمی‌کنم. اصلاً به ذهنم نیامد تا بگویم اعتناء نمی‌کنم.
مرحله بعد مخبر پایین‌تر می‌آید. مخبر حرفی می‌زند و ذهن شما درگیر می‌شود به احتمالی اما می گویی که شاید دروغ می گوید. اما این احتمال خیلی ضعیف است. می‌گویی اگر من به این ترتیب اثر بدهم واقعا وسواس است طوری که مردم به من می‌گویند که تو وسواسی شده‌ای. ببینی احتمال آمد و به‌خاطر ضعف نفس احتمال اعتناء نکردی. این هم مورد سوم.
مورد چهارم که مربوط به بحث ما است این است که در سند احتمال کذب می‌آید، احتمال خطا می‌آید اما می‌بینی اگر قرار باشد به این احتمالی که محل اعتناء هم هست، اعتناء بکنی نظم برقرار نمی‌شود و سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. این‌جا اصول عقلائیه می‌آید. یعنی می‌گویی اشتباه کرده ای نکرده؟ اشتباه دور نیست. می‌گویی اصالة عدم الخطاء؛ یعنی احتمال خطاء هست و در ذهن من هم می‌آید؛ بهگونه‌ای هم نیست که اعتناء نکنم و بگویم هیچ است، ولی لوازمش طوری است که عقلاء بنا می‌گذارند که اعتناء نکنند. این روش و بناء عقلاء است .
خب حال خبر موثوق الصدور؛ یک لفظی می‌گویی‌م که به صدورش وثوق داری‌م، کدام یک از این‌ها است؟ مورد سوم است. یعنی احتمال خلاف و کذب هست و این احتمال بهگونه‌ای است که فرض اعتناء دارد –وسواس نیست که بگویی‌م چرا به این احتمال ضعیف اعتناء می‌کنی- اما بهگونه‌ای است که ...

شاگرد: عقلاء به این اعتنا نمی کنند اگر اعتنا کنند وسواس می شود .
استاد: می خواهم ببینیم موثوق الصدور کدام یک از این ها است ؟ ببینید اول این شد که اصلا احتمال نیست. دوم این شد که احتمال هست اما به ذهن نمیآید. سوم به ذهن میآید و اعتناء نمیشود. چهارم شأناً مورد اعتناء هست اما چون لوازمی دارد اصول عقلائیه بر عدم اعتناء میشود. خب الآن موثوق الصدور کدام یک از آنها میشود؟ میتواند سوم و چهارم باشد. ولی کلمه موثوق ناظر به سومی است. موثوق الصدور یعنی من کاری به اصول عقلائیه ندارم، آن جای خود است. من که به این خبر نگاه میکنم احتمالش طوری است که من اعتناء نمیکنم. نه اینکه احتمالش نیاید. بلکه میآید اما اعتناء نمیکنم. اطمینان پیدا میکنم؛ یعنی عدم اعتناء به احتمال خلاف.

بازبینی #2
ایجاد شده 4 آوریل 2024 08:03:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 مه 2024 15:14:50 توسط ... .